

- دور و نزدیک**

شادی مردم سوریه از مرگ قذافی

■ **العربیه:** در پی کشته شدن قذافی، موج شادی سوریه را فراگرفت. مخالفان حکومت سوریه غرق به استقبال تظاهرات جمعه «شهادی ضرب‌الاجل اتحادیه عرب» رفتند. اتحادیه عرب به حکومت سوریه دو هفته ضرب‌الاجل داده است تا در مقر این اتحادیه در قاهره با مخالفان وارد گفت‌وگو شود. مخالفان ضمن رد مهلت تعیین‌شده گفته‌اند که حکومت در این دو هفته فرصت خواهد داشت تا به سرکوب بیشتر معترضان بپردازد. مخالفان حکومت سوریه می‌گویند کشته شدن رهبر لیبی برای آنها روحیه‌بخش است.

پایان رسمی جنگ مسلحانه در باسک

■ **بی‌بی‌سی:** جدایی‌طلبان باسک، از توقف کامل فعالیت‌های مسلحانه خبر داده‌اند. گروه‌اتا از حکومت‌های اسپانیا و فرانسه خواست که با «گفت‌وگوی مستقیم» به این اقدام پاسخ دهند. تصمیم ا تا به توقف کامل فعالیت‌های مسلحانه، در صورت پایبندی به آن، به ۴۰ سال مبارزه خشونت‌آمیز برای استقلال منطقه باسک که به قیمت جان بیشتر از ۸۰۰ نفر تمام شده، پایان می‌دهد.

در خواست به رسمیت شناختن حقوق کردها

■ **ایسنا:** سخنگوی حزب کارگران کردستان ترکیه می‌گوید حملات اخیر علیه ارتش ترکیه در واکنش به بمباران مفرهای پ.ک.ک انجام شدد و افزود، دولت‌های مختلف ترکیه همواره به رسمیت شناختن کردها را به عنوان دومین قومیت ترکیه رد کرده‌اند، در حالی که کردها به این کشور خدمات زیادی کرده‌اند، بنابراین از دولت اردوغان می‌خواهیم که حقوق کردها را به رسمیت بشناسد. با این وجود نخست‌وزیر ترکیه می‌گوید: عملیات هوایی و زمینی تنها گام اولیه علیه افراد مسلح است و محکومیت جهانی، عزم دولت را در حل بحران تغییر نمی‌دهد.

چاوزه: من خوب شدم

■ **بی‌بی‌سی:** رئیس‌جمهوری ونزوئلا پس از بازگشت از آخرین سفر درمانی به کوبا، از سلامت کامل خود خبر داده است. چاوزه هنگام ورود به شهر لاریا در غرب ونزوئلا اعلام کرد: «دیگر بیمار نیستم» و از سخنانی که به طور زنده از تلویزیون ونزوئلا پخش شد، گفت: «همه چیز به خوبی پیش رفت، نمره عالی گرفتیم، ۲۰ و ۲۰» چاوزه پس از ورود به شهر لاریا برای شکرگزاری به یک معبد کاتولیک رفت و اعلام کرد: «چاوزه جدید بازگشته... ما زنده خواهیم ماند.»

فرجام دیکتاتور

نسرین رضایی

بهت‌زده به اطراف نگاه می‌کند، مخالفان مدام جابه‌جایش می‌کنند و شعار می‌دهند. فریاد می‌زنند: «او باید زنده بماند، زنده نگهش دارید.» بدنش را لخت رها کرده و پیراهن نظامی‌اش از روی شکم بالا رفته. دیگر به یک نظامی نمی‌ماند، نیمی از صورتش آغشته به خون است. گویا نه می‌شوند نه می‌خواهد که بشنود. می‌داند چه برایش رقم خواهد خورد. دستنی را که حلقه طلای زرد رنگی روی انگشت آن نقش بسته به صورت می‌کشد و دوباره سکوت می‌کند. اینجا سرت است، زادگاه و قتلگاه قذافی.

این تمام چیزی بود که در آخرین فیلم منتشر شده از سرهنگ قذافی به تصویر کشیده شده بود. به دنبال آن خبرها منتشر شد: پایان دیکتاتوری، معمر قذافی، دیکتاتور لیبی کشته شد. شورای انتقالی لیبی، مرگ سرهنگ را تایید کرد.

می‌گویند که قذافی در واپسین لحظات حیاتش دو هفت تیر، یک رادیو افام و یک ساعت مچی داشت که رنگ یکی از هفت‌تیرها طلایی بود و گفته شد که ممکن است جشش از طلا باشد.

به گفته نیروهای شورای ملی انتقالی، پس از آنکه کاروان خودروهای حامل قذافی و همراهان او هدف بمباران هوایی ناتو قرار گرفت، رهبر سابق لیبی در یک لوله سیمایی فاضلاب مخفی شد و نیروهای مخالف او را در همین محل یافتند و دستگیر کردند. فیلم منتشر شده هم پس از دستگیری گرفته شده است. وزیر دفاع فرانسه هم اعلام کرده است که جت‌های جنگی این کشور

صبح پنجشنبه کاروانی از ۸۰ خودرو را ردیابی کردند که قصد داشتند از شهر سرت خارج شوند. آنها این کاروان را «توقف» کردند. به گفته ژنرال لوتگه، نیروهای مخالف قذافی سپس خود به این کاروان حمله کرده و قذافی را بیرون کشیدند. یکی از مقام‌های آمریکایی در مقابل، گفته است یک هواپیمای بدون سرنشین آمریکایی راکتی به این کاروان شلیک کرده که در پی آن قذافی و مردان همراه او به درون یک کانال فاضلاب پناه بردند. سپس نیروهای شورای ملی انتقالی لیبی آنها را دستگیر کردند. ناتو دخالت در مرگ معمر قذافی را رد کرده است.

در فیلم خبری از مقاومت نبود و سرهنگ نسبتاً سالم به نظر می‌رسید و تنها جراحت نه چندان جدی صورت او به چشم می‌خورد. با این حال شورای عالی انتقالی لیبی اعلام کرده که او در کشمکش و درگیری میان اعضای شورای انتقالی با هوادارانی که سعی در نجاتش داشتند، کشته شده است. عبدالحکیم بلحاج، رئیس شورای نظامی شهر طرابلس می‌گوید که دیکتاتور سابق بر اثر شدت جراحات وارده در هنگام دستگیری، کشته شده است. با

این حال گزارش‌های پزشکی نشان می‌دهد سرهنگ پس از بازداشت توسط انقلابیون و با صلبت دو گلوله به شکم و سرش کشته شده است. در این میان خبرگزاری فرانسه به نقل از «محمود جبریل» رییس دفتر اجرایی شورای ملی انتقالی لیبی در یک کنفرانس خبری در طرابلس گفت: «هنگامی که معمر قذافی را در شهر سرت پیدا کردیم وی در سلامتی کامل به‌سر می‌برد و سلاح در دست داشت» او در ادامه افزود: «قذافی به طرف یک دستگاه خودرو شاسی بلند هدایت شد و زمانی که سوار بر خودرو شد درگیری شدیدی میان طرفداران او و انقلابیون رخ داد و قذافی از ناحیه سر مورد اصابت قرار گرفت» جبریل می‌گوید: «قذافی هنگامی که به بیمارستانی در شهر مصرانه رسید نیز زنده بود»

با این حال شورای ملی انتقالی گزارش‌هایی را که در آنها اشاره شده، سرهنگ قذافی توسط مأموران این شورا اعدام شده است را تکذیب می‌کند. این شورا حتی اجازه کالبدشکافی جسد دیکتاتور را هم صادر نکرده است.

برخی می‌گویند که مرگ سرهنگ از مشکلاتی که زنده ماندن او می‌توانست به همراه آورد، جلوگیری کرد. محاکمه احتمالی معمر قذافی

در لیبی می‌توانست به صدور حکم اعدام برای او منجر شود در حالی‌که بسیاری از نهادهای مدافع حقوق‌بشر در غرب چنین احکامی را مردود می‌دانند. سرهنگ ۲۷ اگوست ناپدید شد و حالا قرار است جسدش در مکان نامعلومی به خاک سپرده شود تا مزارش به زیارتگاه هواداران بدل نشود.

محمود جبریل می‌گوید که با دادگاه بین‌المللی لاهه ارتباط برقرار کرده است و دادگاه لاهه از این شورا خواش کرده است از خاکسپاری جنازه معمر قذافی به منظور کالبدشکافی جنازه وی توسط یک گروه مستقل خودداری کند. گفته شده که نمونه‌هایی از مو و بافت‌های جسد قذافی گرفته شده که جای تردیدی در هویت او باقی نمی‌گذارد. محمود جبریل گفته است: «فرقی نمی‌کند چه اتفاقی افتاده، مهم این است که او سربه نیست شد.» شورای ملی انتقالی اکنون مرگ دو پسر قذافی، معتمض و سیف‌الاسلام را همراه پدرشان تایید کرده است. پیشتر اخبار جسته و گریخته‌ای از دستگیری سیف‌الاسلام و سپس مجروح شدن او در حالی‌که تصمیم داشته فرار کند، منتشر شده بود.

همچنین گفته می‌شود معتمض، پسردیگر قذافی پس از دیکتاتور به قتل رسیده اما هنوز جسد او تحویل پزشکی قانونی لیبی داده نشده است.

همزمان با انتشار کشته شدن خبر معمر و معتمض قذافی، در مورد دیگر پسر سرهنگ قذافی، یعنی سیف‌الاسلام خبرهای ضد و نقیضی منتشر شده است.



عکس: Sipa

برخی از خبرگزاری‌ها به نقل از انقلابیون لیبی گفته‌اند که او نیز هنگام درگیری به سرنوشت پدرش دچار و کشته شد. در حالی که برخی از خبرگزاری‌ها از دستگیری او حکایت کرده‌اند. گفته‌ها حکایت از جانشینی سیف‌الاسلام قذافی دارد. برخی هم می‌گویند که سیف در ۲۰ اکتبر، همزمان با ورود مبارزان تحت امر شورای ملی انتقالی لیبی به شهر سرت، از این شهر گریخته است. اما از دیگر سسو تلاش‌ها برای بازداشت «عبدالله السنوسی»، رییس سازمان اطلاعات رژیم مخلوع قذافی ادامه دارد. در این رابطه خبرهای ضد و نقیضی گفته می‌شود مبنی بر اینکه السنوسی احتمالاً به نیجر فرار کرده است. «محمد بازوم»، وزیر خارجه نیجر می‌گوید که کرداند مبنی بر اینکه «عبدالله السنوسی» از طریق مرزهای لیبی به شمال نیجر فرار کرده، اما به دلیل بافت جغرافیایی این منطقه تایید اطلاعات موجود بسیار دشوار است. اینترپل، نهم سپتامبر دستور بازداشت معمر قذافی و پسرش سیف‌الاسلام و نیز عبدالله السنوسی را به اتهام ارتکاب جنایات جنگی و ضد بشری صادر کرده بود.

اکنون لیبی بدون قذافی است و دیده‌بان حقوق‌بشر می‌گوید عصر جدید پس از قذافی در لیبی باید عصر تمرکز بر حقوق‌بشر باشد. در فردای کشته شدن معمر قذافی، سازمان دیده‌بان حقوق‌بشر در بیانیه‌ای تاکید کرد که پایان ۴۲ سال حکومت معمر قذافی بر لیبی، فرصتی است تا دوران بلند نقض حقوق‌بشر نیز در این کشور پایان یابد.

سارا - لی ویستون، مسوول بخش خاورمیانه و شمال آفریقای دیده‌بان حقوق‌بشر می‌گوید که پس از سال‌ها خشونت، مقامات جدید لیبی می‌توانند آنچه را قذافی در جهت حقوق‌بشر نادیده می‌گرفت، رعایت کنند. او افزود، مقامات شورای ملی گذار باید هرچه زودتر از هرگونه اقدام برای تخریب املاک قذافی در سرت و بنی‌ولید جلوگیری کنند

حالا شورای انتقالی لیبی اعلام کرده است که امروز طی مراسمی رسماً پایان دوران قذافی و شروع دوران جدید در کشور لیبی را اعلام خواهد کرد و ناتو تصمیم به بررسی شرایط خروج از لیبی دارد.

جبریل می‌گوید که قرار است طی یک ماه، دولت موقت جدیدی تشکیل شود.تشکیل دولت موقت، نخستین گام برای حرکت در مسیر یک لیبی جدید برای مردم این کشور است.شورای انتقالی اعلام کرده است که پس از گذشت این یک ماه،تصمیمات مهم‌تری پیش رو است.اینکه دولتی جدید بدون سرهنگ و پسرانش شکل گیرد.دولتی به دور از دیکتاتوری و در مسیر حرکت به سمت و سوی دموکراسی.



اتحاد مردم سوریه، یمن و لیبی در شادمانی مردم صنعا پس از خبر کشته شدن قذافی

عکس: Getty Images

- دیدگاه**

مسیری‌باز گشت

محمدعلی عسکری

■ **چرا** دیکتاتور ها عبرت نمی گیرند؟ این پرسش ساده‌ای است که با سقوط هر دیکتاتوری مطرح می‌شود، اما باز هم می‌بینیم که این روند ادامه یافته و دیکتاتور بعدی با وجود همه تلاش‌هایی که می‌کند، همین روند را طی کرده و گویی تقدیری جبری را سپری می‌کند.

یک‌بار عبدالرحمان شلقم، وزیر امورخارجه و نماینده سابق لیبی در سازمان ملل که یکی از نزدیکان سرهنگ قذافی بود در مصاحبه‌ای که همین اواخر و پیش از سقوط طرابلس منتشر شد، حقیقت مهمی را گوشزد کرد. او گفت: سه پدیده دیگر به تاریخ پیوسته است. برده‌داری، استعمار و دیکتاتوری. اینها جزو میراث گذشته است و دیگر جایی در تاریخ معاصر جهان ندارد. او این حقیقت را دریافته بود که از سرهنگ قذافی کند و به انقلابیون پیوست.

سرهنگ قذافی یکی از نمونه‌های بارز این دیکتاتوری تاریخ مصرف گذشته بود که بیهوده می‌کوشید با پول‌های بادآورده از طریق فروش نفت، برای خود حیاتی در تاریخ جست‌وجو کند. ۴۲سال حکومت او تجربه تلخ همین واقعیت است که در نهایت به مرگ دردناک او ختم شد. سقوط صدام حسین که قذافی به شدت نسبت به او و بیمناک بود، یکی از همین تجارب عبرت‌آموز می‌توانست باشد.

قذافی که از این حادثه بکه خورده بود، ناگهان تصمیم گرفت سلاح‌های امتی‌اش را در دست در اختیار آمریکا قرار دهد اما این یک‌خوردن مدت زیادی دوام نیاورد و قذافی بر همان راهی رفت که از پیش رفته بود. با این تفاوت ظاهری که این‌بار گمان می‌کرد اگر با غرب هم‌پیمان نشود، دیگر حوکمش را بیمه کرده است. غافل از اینکه در همسایگی‌اش، زین‌العابدین بن‌علی یکی از هم‌پیمانان غرب به حساب می‌آمد و در نهایت هم سقوط کرد.دیکتاتورها اساساًسمنی‌توانندازسرنوشت هم‌دیفان خود پند بگیرند. سقوط بن‌علی می‌توانست زنگ خطری برای سرهنگ باشد کما اینکه برای برخی از اطرافیانش بود اما سرهنگ قذافی به جای عبرت گرفتن از این واقعیت به نکوشش مردم تونس برخاست که چرا قدر رییس‌جمهور خود را ندانسته و او را فراری داده‌اند. همچنین سقوط حسنی مبارک، همسایه دیگر لیبی و متحد کهنه‌کار غرب و اسرائیل می‌توانست درس عبرت دیگری برای سرهنگ باشد. در اینجا نیز او همان حرف را تکرار کرد و باد به غیغ ابداخت که لیبی کشور دیگری است. او به صراحت می‌گفت هیچ کس شرایط لیبی و سیستم حکومتی خودساخته او را درک نمی‌کند؛ سیستمی که او به قول خودش در آن فقط نقش رهبری را داشت. یعنی نقشی تشریفاتی و ماورای همه مسوولیت‌ها. نقشی که می‌گفت در هیچ کاری دخالت نمی‌کند اما دیدیم که حتی روی کودکان تازه متولدشده نیز اسم می‌گذاشت و آنها را نام‌گذاری می‌کرد. به هرحال استبداد، استبداد است و خوی روشنی دارد هر چند نام دیگری را بر آن گذاشته باشند. دیکتاتورها راه بازگشت ندارند. در واقع آنها وارد مسیری می‌شوند که لاجرم پایانی تلخ را برای آنها رقم خواهد زد. مهم‌ترین درسی که هر دیکتاتوری از سقوط رژیم‌های مشابه خود می‌گیرد، این است که بیشتر

خود را مسلح کند. در ذهن ساده آنها، تنها این سلاح است که می‌تواند امنیت را برایشان به ارمغان آورد. دیکتاتورها برای ایجت خود راه روشنی می‌پیمایند که همان پناه گرفتن در لایه‌لای کوهی از ثروت و قدرت است. غافل از آنکه برای بقای یک حکومت، کوه‌های ثروت و قدرت به تنهایی کافی نیستند. به‌خصوص در دورانی که دیگر فصل دیکتاتوری به انتها رسیده باشد؛ دورانی که توده‌های مردم به زبان درآمده و برای خود طلب شخصیت می‌کنند؛ دورانی که هرکس در آن احساس می‌کند حقّی و رأی دارد و هرگز دیگر حاضر نیست حق خود را در یک وکالت بلاعزل به دیگری واگذار کند. اما چرا دیکتاتورها نمی‌توانند از راه خود بازگشته یا از خوی استبدادی‌شان دست بکشند؟ در علم اخلاق می‌گویند، هر عملی دو ماب‌بازا دارد یکی در بیرون و دیگری در درون. به عبارتی دیگر یکی تأثیری است که این عمل بر دیگری یا دیگران می‌گذارد و دوم تأثیری است که همین عمل بر شخص عمل‌کننده می‌گذارد. از این روست که به گفته قرآن، نیکی کردن نیکی می‌آید و بدی کردن بدی. وقتی کسی دست به ظلم و ستمی می‌زند در واقع به جز اینکه به دیگران ستمی روا داشته و به خاطر آن باید پاسخگو باشد با انجام چنین کاری بخشی از وجود درونی و روح خود را نیز به رنگی خاص آلوده است؛ رنگی که رفته‌رفته رنگ اصلی روح او می‌شود و از آن جدایی‌ناپذیر خواهد بود. دیکتاتورها با جرم و جنایت روزانه‌ای که مرتکب می‌شوند، شخصیت خود را به نحوی تغییر می‌دهند که به صورت یک تقدیر قطعی و غیرقابل تبدیل بر سر آنها آوار می‌شود. البته راه برگشت بر همگان باز است اما کجا دیده‌اید که یک دیکتاتور در آخرین دقایق حکومتش بتواند بازگشته و به‌خصوص قدرت را به مرمش واگذار کند؟ تاریخ از زمان فرعون تاکنون نشان می‌دهد که سرانجام همه دیکتاتورها مرگ تلخ یا خودکشی تحقیرآمیزی بوده است. آنها با اعمال خود خمیرمایه‌ای از خود و سیستم حکومتی خود ساخته‌اند که تغییرناپذیر است. صدام را یادتان هست که حتی در دادگاه‌ها با چه تیختری حرف می‌زد بنابراین بیهوده نباید انتظار داشت، دیکتاتور بعدی از دیکتاتور قبلی پند گرفته یا کمی در سیاست‌های خود تعدیل ایجاد کند. آنها تا آخر همان راه خود را می‌روند. سقوط هر دیکتاتوری تنها درسی سرتگ برای ملت‌هاست تا بگویند سرنوشت خود را به دست گیرند.